

گفتیم امام سجاد (علیه السلام) فرمود: «وَأَمَّا حَقُّ رَجُلَيْكَ فَإِنَّ لَكَ تَمَشِيَّ بِيَهُمَا إِلَيَّ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ لَأَ تَجْعَلَهُمَا مَطِيَّتَكَ فِي الطَّرِيقِ الْمُسْتَخَفِّ بِأَهْلِيهَا فِيهَا»؛ حق یکی دیگر از اعضای بدن یعنی پا را امام سجاد (علیه السلام) در دو بعد سلبی و ایجابی مطرح می‌کند، اینکه با این عضو چه کارهایی نباید بکند و اینکه با این عضو چه کارهایی باید انجام دهد.

در بخش سلبی می‌فرماید این دو حق بر شما است، یعنی پای انسان بر خود انسان این دو حق را دارد:

۱. نپیمودن راه حرام

حق اول «فَأَنَّ لَكَ تَمَشِيَّ بِيَهُمَا إِلَيَّ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ» اینکه با آن دو پا راهی که ناروا است نپیماید، راهی که حرام است نپیماید. با این دو پا به سوی چیزی که حلال نیست حرکت نکند.

انواع مشی به سوی حرام

این از یک جهت یک دایره وسیعی دارد، هر کار حرامی که انسان به سوی آن حرکت کند مشمول این حق است که «فَأَنَّ لَكَ تَمَشِيَّ بِيَهُمَا إِلَيَّ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ»؛ با این دو پا به سوی چیزی که بر تو حلال نیست مشی نکنی.

۱. مشی، مقدمه حرام

مجالس لهو و لعب و گناه و حرام همه اینها ما لایحل لنا است. حرکت به سوی اینها می‌شود ممنوع. ببینید وقتی انسان در مجلس حرام شرکت می‌کند، خود شرکت در مجلس حرام، حرام است، اصلاً جنبه مقدمیت ندارد، حضور در بعضی از مجالس حرام، فی نفسه حرام است. یک وقت شما در یک مجلس می‌نشینید و دروغ می‌شنوید، تهمت می‌شنوید، شنیدن غیبت فی نفسه حرام است، لذا خود حضور در آن مجلس گناه است، مجلس شرب خمر است، نفس حضور در آن مجلس حرام است، هر کار حرامی، مجلس لهو و لعب، اختلاط نامشروع زن و مرد یا مجلس توطئه و برنامه‌ریزی بر علیه مسلمان، یک برادر دینی یا مجلس توطئه بر علیه نظام اسلامی، بر علیه رسول خدا و امیرمؤمنان، خود این مجالس فی نفسه حرام است. کسی که به سوی این مجالس می‌رود تا زمانی که حضور در مجلس پیدا نکرده هنوز کار حرامی انجام نداده، این می‌شود مقدمه حرام، مشی مقدمه حرام است، اما خود راه رفتن در خیابان فی نفسه، هنوز که حکمی بر آن بار نشده است، منتهی مشی و طی طریق مقدمه وصول به آن حرام است، زیرا نفس حضور در چنین مجالسی حرام است اینجا بحث مقدمه حرام پیش می‌آید که آیا مقدمه حرام، حرام است یا خیر؟ آیا خود این مشی یُنطبق علیه عنوان الحرام یا محرم یا خیر؟ حکم حرمت به این عمل و مشی و طی طریق ثابت می‌شود، منطبق می‌شود یا خیر؟ آن یک بحث دیگری است. حضرت آنچه که در اینجا می‌فرماید، می‌فرماید با این دو پا به سوی «ما لایحل لک» حرکت نکنید، پس یک جاهایی مشی، مقدمه حرام است، اینکه این حرام است یا نه، این یک بحث دیگر است، اینکه خود این مشی حرام است یا خیر، به عنوان مقدمه حرام؟ این یک بحث مستقلی است، تکلیفی که از آن زاویه بر ما ثابت می‌شود باید در جای خودش بررسی کرد، آن چیزی که امام اینجا می‌فرماید به عنوان یک حق است. می‌فرماید پای انسان به گردن انسان این حق را دارد که انسان به وسیله آن به سوی مجالس حرام نرود؛ پس این مشی به سوی حرام گاهی مقدمیت دارد برای حرام.

۲. مشی، عین حرام

گاهی این مشی خودش متصف به حرمت می‌شود، مقصدی در کار نیست به سوی «ما لایحل لک» نیست، مثل مشی در زمین غصبی، کسی برود در زمین غصبی راه برود، این مشی خودش متصف به صفت حرمت شده است، اینجا دیگر مقدمیت مطرح نیست.

۳. مشی، جزئی از حرام

یک قسم دیگر نیز مشی به عنوان جزئی از عمل حرام است مثل کسی که سعی می‌کند، تلاش می‌کند برای ضربه زدن به یک برادر مسلمان، این سعی یک طیف اعمال را در بر می‌گیرد. یک بخشی ممکن است این مشی باشد، یعنی یک سری سلسله اقداماتی را انجام می‌دهد که آبروی کسی را ببرد. این ممکن است مجموعه‌ای از کارها یا مجموعه‌ای از اجزاء باشد، در برخی موارد مشی می‌شود جزئی از عنوان محرم مثل «السعی الی السلطان» سعی به سوی سلطان تا یک برادر دینی کشته شود یا اموالش گرفته شود، اینجا مشی جزئی از این سعی است.

پس مشی گاهی مقدمیت دارد به سوی حرام، گاهی جزئیت دارد برای حرام و گاهی عینیت دارد به این معنا که خودش متصف به حرمت است حال اینها نمونه دارد که مثالهایش را نیز بیان کردیم. انواع مشی؛ «المشی بهما الی ما لایحل لک» وقتی می‌گوید این حق انسان است که با پاهایش چنین مشیی نداشته باشد به نظر من هر سه را در بر می‌گیرد.

«والحمد لله رب العالمین»